

در حاشیه مسائل بزرگ

روزکودک و کودکان ما

کسانیکه بنحوی از انحاء در این ماجرا های کیفی چندش آوز ، در آلوده ساختن کودکان معصوم اسمشان و پایشان در میان است باید رسوا بشوند ، باید حق زندگی و رفت و آمد در جامعه از آن ها سلب شود ، باید نقاشان در هر موقع و مرتبه ای که هستند دریده شود تا محیط تربیتی نسل جوان از امنیت واقعی برخوردار گردد .

کودکان معصوم ما باید از امنیت، از بهداشت ، از تربیت و از هرگونه امتیاز انسانی دیگری بطور کامل برخوردار باشند .

آن ها جگرگوشگان ما و امید های آینده مملکتند .

آنها ذخائر ملی این سرزمینند .
سرمقاله ای اطلاعات ، ۲۷/۸/۸۸

نسل سرگردان

● زان حدیث تلخ میگویم تورا تا ز تلخی ها فروشویم تو را تو ز تلخی چونکه دل پر خون شوی پس ز تلخیها همه بیرون شوی یکی از دوستان من که چند دختر پا به بخت داشت چندبار که بمناسبت، صحبت از جوانها و دنیای مرموز آن ها پیش آمد نفس راحتی میکشید و می گفت: عجب اینست که دختر های من اصلا باین مسائل آشنا نیستند . مثل اینکه در یک دنیای دیگری زندگی میکنند و این چیزهائی

● « ... امسال بایبش آمد قتل یک کودک معصوم ، وقتی «روزکودک» فرا میرسد که جامعه ما داغدار این حادثه است و از آن بیشتر متاثر بخاطر تکرار این حوادث در گوشه و کنار کشور و بالاخره متعجب از مطالب تکان دهنده ای که مامورین قضائی و انتظامی در تعقیب ماجرای قتل کودک هفت ساله بدان دست یافته اند.

این حقایق تلخ نشان میدهد که هنوز امنیت کافی برای کودکان در اجتماع ما وجود ندارد و محیط مساعدی را که جهت تربیت یک نسل سالم بر اثر اعتلای سطح فهم عمومی در مملکت فراهم شده ، وجود انسان های گرگ صفت نا امن ساخته است . وقتی که ماروز کودک را جشن می گیریم نمیتوانیم فارغ از این مسائل باشیم ، خطری که با قتل رضا ودودی ناقوس آن صدا درآمده جدی تر از آنست که اجتماع بخواهد خود را با آن بیگانه نشان دهد و برای پوشاندن تعفن آن دست بکار سمبل کردن موضوع بشود . این قضیه برای اجتماع ما بمراتب سهمگین تر از قضایای دکتر وارد و باله گل سرخ و کانگسترهای کم سن و امثال آنهاست که کشورهای مترقی را لرزانده و برای ریشه کن ساختن آن ، مردم از تعقیب ماجرا دست نکشیده اند تا وقتی مقامات مسئول مهم ترین نکات پرونده را علنی نساخته اند .

بخصوص ، یکمده جوانها دست به دیوانگی عجیبی میزنند . یعنی اتومبیل های شکاری و کورسی سوار میشوند و میزنند بکوه و بیابان و با سرعت سرسام آور میروند و میرانند بقصد اینکه اتومبیل آن هارا بردارند و با خود بقصر دره ها ببرند . چرا؟ برای این که در همچو شی جوانی بنام «جیمزدین» که هنرپیشه سینما بود درست بهمین شکل با اتومبیل کورسی خود در قصر دره ها جان داد . جیمزدین برای نسل جوان آمریکا یک بت ، یک وجود استثنائی و ایدآلی محسوب میشد . زیرا او درعین حال که همه چیز داشت وجودش بر از خلاء بود ، یک آدم سرگردان ، بی هدف ، عاصی ، سر خورده بدبین و منزوی بشمار میرفت . پسرک آمریکائی درش اینست که همه چیز دارد و هیچ چیز کم ندارد . این کشنده است . بقول کارل چایک نویسنده چک وحشتناکترین چیزی که در دنیا تصورش را نمیشود کرد فراوانی نامحدود است . مثلاً شما فکر کنید بستنی چیز لذیذ خوشمزه ایست و اگر آدم در بیست و چهار ساعت یک لیوان بستنی بخورد باومی چسبد ، اما تصور کنید که چقدر وحشتناک میشود اگر شما در بستنی غرق بشوید . یعنی زیر دست و پایتان بستنی ریخته باشد و صبح و ظهر و شام و عصر مجبور باشید هم بستنی بخورید . همانطور که دست تنگی مطلق مصیبت است و بسبب فجایی میشود ، عکسش نیز فاجعه بیار می آورد . یعنی همانطور که در مملکت ما و ممالکی مشابه ما بر اثر محرومیت های جنسی و محدودیت ها ، جوانان دچار انحراف میشوند و تمایل همجنس به همجنس موجهات فجایی از قبیل قتل رضا و قربانی شدن پرویز و سیروس و امثالهم را فراهم می آورد ، در شرایطی که جوان ها از همه چیز بهره مند باشند و همه غرائز خود را ارضاء شده ببابند و دیگر چیزی باقی نمانده باشد که بخواهند دنبالش بروند

را که اطرافشان میگردند نه می بینند نه درک میکنند . دفعه آخری که این حرف را از زبان دوستم شنیدم نتوانستم حوصله کنم . گفتم : مگر خدای نخواستہ بچه های شما کورند ؟ با تعجب گفت : نه ، چطور مگر؟ گفتم : کرهم که نیستند و اتاجائی که من خیر دارم مثل خود شما خیلی هم زیرک و فطینند . پس چطور ممکن است آنها که سینما میروند و تلویزیون تماشا میکنند و برادیو گوش میدهند و کتاب و مجله می خوانند و پارتنی میروند و با دختران هم سن و سال خود معاشرت دارند از این حرفها سر درنیاورند و با این مسائل بیگانه باشند . شما توقع دارید دخترتان برای سرکارنامه عاشقانه بنویسد یا پیشیند با حضرتعالی درباره وارن بیٹی و شکوه علفزارش صحبت کند ؟ نه عزیزم ، هم دخترها وهم پسرها همه شان در این زمانه همه چیز میفهمند و اگر بروی پدر و مادر خود نیاورند دلیل نمیشود که پدر و مادر فکر کنند بچه هاشان در یک دنیای استثنائی زندگی میکنند و نسبت به پسرها و دخترهای دیگر تافته ای هستند علیحدہ بافته . البته تربیت خوب باعث میشود که دختر یا پسر خودشان را در لحظات حساس زندگی حفظ کنند و راه را از چاه بشناسند . شما هم اگر خواستید بعد ها از دخترهایتان تعریف کنید بفراستد دخترهای من خوشبختانه از آن راه نرفته اند . بفراستد آن راه را بلد نیستند و اصلاً از وجودش بی خبرند .

این گرفتاری را درباره جوان ها نه فقط ما داریم بلکه همه دنیا دارند . نهایت برحسب نوع زندگی اجتماعی ، شکلی در اینجا و آنجا فرق میکنند . در آمریکا یک شب خاصی هست که قیافه شهرها و جاده های اطراف شهر بخصوص جاده های کوهستانی و صعب العبور بکلی عوض میشود و پلیس افرادش را بسیج میکند و وضع فوق العاده اعلام میگردد زیرا در این شب

بارمغان آورده است. عصری که پایه محکم اعتقادات تبدیلی را ست کرده و جای آن تکیه گاهی برای بشر فراهم نساخته است. نگوئید دین و مذهب در خانواده‌های ایرانی تکان نخورده است، نگوئید جوانهای ایرانی بی اعتقاد نشده‌اند. در همه جای دنیا این تزلزل اخلاقی و ایدئولوژی بروز کرده ولی ما جزو آن دسته از مللی هستیم که وضع دشوارتری دارند. احمد احرار، اطلاعات، ۲۸۸۲، ۲۸۸۳

این مشکل لاینحل!

● «آقای وزیرکار در مصاحبه‌ای که با نمایندگان جراید داشته‌اند، شرح مبسوطی ایراد فرموده‌اند از عدم تناسب طبقه تحصیلکرده با احتیاجات مملکت. البته این حرف تازه‌ای نیست و در همین ستون مکرر ما از زبان خودمان واز قول صاحب نظران راجع بمشکلاتی که از رهگذر بی توجهی بمسئله تحصیلات عالی متوجه کشور میشود گفتگو کرده‌ایم، آنهم نه امسال و نه پارسال بلکه از سالها پیش و اگر دیروز باین امر بس مهم توجه شده بود امروز آقای وزیرکار بجای آنکه مشکلات موجود را از نو تکرارکنند میتوانستند آمار بدهند که چه کارها برای انطباق گروه تحصیلکرده با نیازمندی‌های مملکت شده است.

همینطور که آقای وزیرکار میگویند متأسفانه امروز با افزایش سریع تعداد افراد دانشگاه دیده مشکلات لاینحلی برای مملکت پیدا شده است برای این که اولاً هنوز هم در کشور ما مدارک تحصیلات عالی بعنوان جواز ورود بخدمت دولت و دخول در قشر ممتاز ملت تلقی میشود درحالی که نه در دستگاه دولت جای خالی باقی مانده و نه در طبقه ممتاز. از طرفی هم بیکار ماندن و بیکار گشتن طبقه تحصیلکرده سوای آن که معایب زیاد در

عقب مرگ می‌روند. کلمه‌ای بنام «عشق» را همه می‌شناسیم. در اطراف این کلمه بیش از هر چیز دیگری حرف زده‌اند. در هرزبانی کتاب‌ها، نظم‌ها، نثرها هست که همه توضیح کلمه «عشق» است و بفرموده حافظ خودمان هر چند که غم عشق يك نکته و يك سخن بیش نیست عجب که از هر زبان میشنویم نامکرر است. با همه این احوال الان مدتی است که در بعضی کشورهای اروپا مثلاً ممالک اسکاندیناوی کلمه «عشق» مفهومی ندارد. و شما موجودی بنام عاشق میان مردم از زن و مرد کوچک و بزرگ نمیتوانید پیدا کنید. زیرا آن چیزی که سبب بروز عشق میشود و غم عشق را می‌آفریند در سوئد و نروژ مدنهایست حل شده و وجود خارجی ندارد. اما در هر کجا که این مسئله حل شده مشکل تازه‌ای بوجود آمده، مشکل اینکه جای خالی عشق را چه چیزی میتواند پر کند! آنوقت. هنگامی که چنین مسئله‌ای، مسئله تازه، مسئله اخیر، مدتی لاینحل ماند و جوابی برایش پیدا نشد ناگهان انسان می‌بیند که در يك جامعه پیش رفته و بتمام معنی پیش افتاده‌ای مانند سوئد جوانها دستجمعی توی خیابان راه می‌افتند و دست بدیوانگی میزنند. شرارت میکنند. هر چه جلوی دستشان بیاید می‌شکنند و آتش میزنند!

در آمریکا، در فرانسه، در انگلستان، در سوئد، در هند، در ژاپن، در هر نقطه‌ای از دنیای پیش افتاده و عقب مانده که نگاه کنید متوجه میشوید مشکل لاینحلی بنام «مسئله جوانان» مطرح است. باشکال و بصور مختلف. با تظاهرات و بروزات و تجلیات متفاوت و متنوع.

این مسئله از خصائص قرن بیستم است. قری که همراه مظاهر خود، همراه ماشین، همراه سرعت، همراه وسایل گچی کننده مخابرات و ارتباطات همراه دانش سرسام آور انسانی پوچی و گنگی

مسئول وقتی که او محصلین بیچاره را سرکیسه میکرد کجا بوده‌اند؟ بله، این نمونه‌ایست از شلم شوربای اعزام محصل. نشانه‌ایست بر بی‌نظمی و بی‌سامانی که نتیجه‌اش همین تورم، همین بیکاری و همین مشکلات لاینحل است.

کجای دنیا رسم است که کودک خردسال را برای تحصیل بخارج بفرستند؟ کجای دنیا معمول است در حالی که مملکت در ریشه‌های مختلف فنی و تخصصی احتیاج بکارشناس و کاردان تحصیل کرده دارد فرزندان مملکت بروند در خارج درس آرایشگری و دکور سازی بخوانند و آنقدر دکور ساز و آرایشگر بکشور سرازیر شود که خودشان ندانند چکار باید بکنند؟ کجای دنیا محصلین هیچ‌ده بیست سال آستین سرخود هر جا میخواهند میروند و هر چه میخواهند میخوانند و بعد از بیست سال پیدایشان میشود که آقای دولت، این دیپام را بگیر و بمن کاربده؟! دیپلم بچه درد مملکت میخورد. مملکت آدم احتیاج دارد. مملکت بمغز، پنکر، بروج و بازوی خلاق و مدیر و مینکر نیازمند است. مملکت مرد کار میخواهد نه دیپلم ولی بدبختانه ما هنوز باید در انتظار آن ساعتی بشینیم که دولت پایش را بیش بگذارد و بگوید از این ساعت تحصیل، مدرسه رفتن، دانشگاه رفتن، خارج رفتن هم‌اش حساب دارد و مبتنی برقرار و قاعده است. و تا آن روزم بالاخره فرا نرسد و یک دستگاهی مصمم باین نظارت و کنترل نشود باز هر چند یکبار همین حرفها تازه میشود و مشکلات ناشی از این بابشو و هرج و مرج بیشتر و غیر قابل علاج تر.

اطلاعات، ۱۸/۴۲۸

اعدام بادارموفوف!

«... در عرض چند روز گذشته، دو تن از محکومین باعدام، در تهران

بر دارد، برای مملکتی که از لحاظ آدم کاردان و متخصص باین درجه فقیر است مایه بسی تأسف میباشد، این درست مثل آنست که در خانه‌ای، اهل خانه محتاج نان باشند و آنوقت از آرد موجود در آشپزخانه آنقدر شیرینی های متنوع تهیه کنند که رویهم بماند و بگندد!

پس تعریف این مشکلی که بهیچوجه منکر اهمیت آن نمیتوان شد خوشبختانه چندان پیچیده نیست همان طور که راه حل آن نیز مطلقاً مجهول و محتاج تفرس و تجربه طولانی نمیشد. مسئله اینست که متأسفانه بر اثر عدم کنترل و نظارت سازمان های مسئول، غرض نهائی از اعزام محصل بخارج در درجه اول و هدف تحصیلات عالی در درجه ثانی بکلی فراموش شده است، بطوری که وضع ما از این لحاظ شاید در دنیا منحصر بفرود نمونه است.

ما حتی آماری که نشان بدهد رقم دقیق محصلین ایرانی در خارج چیست و این ها چه میکنند و چه میخوانند و هدفشان برای آینده چیست محققاً در دسترس نداریم زیرا محصلین ما زیر نظر کسی و تحت قاعده و برنامه‌ای برای درس خواندن بخارج نرفته‌اند و نه کسی به آنها گفته است چی بخوانید، نه آنها از کسی پرسیده‌اند. دست براتفاق همان روزی که مصاحبه آقای وزیر کار منتشر میشود، خبر دیگری در روزنامه چشم میخورد حاکی از اینکه آقای دکتر کیانی که معلوم نیست از کجا سبز شده و بکجا فرو رفته، کلاه هزار محصل را بعنوان اینکه وسیله اعزام آن ها بخارج تهیه میکند و ترتیب تحصیل بوسیله مکاتبه برای آن ها را میدهد برداشته و بچاک زده است.

این خبر خیلی بیش از آن که ظاهرش مینماید تکان دهنده است. آخر این دکتر کیانی که بوده، کی باو گفته محصل بخارج بفرستند، اگر مجاز بوده حساباً کجاست، اگر مجاز نبوده پس دستگاههای

ودراهاز ، با چوبه دار معدوم شدند.

اما ، ما بدین عقیده هستیم که اعدام با چوبه‌دار ، مجازاتی غیر انسانی، نفرت‌انگیز ، و چگر خراش است و این بادگاری است از دورانی که انسان ، گرفتار انتقام های دد منشا نه بود ...»

اعدام با چوبه‌دار، گاهی باعث حوادث شرم‌آوری نیز میشود . بیاد می‌آورم که ساعت هفت روز دو شنبه ۲۴ تیرماه همین سال ، در میدان پهلوی شهر همدان، طناب داری که قرار بود «خان‌بابا» یک قاتل را - با آن بدار بکشند ، پاره شد. محکوم از بالای چوب دار بر زمین افتاد، گردن او شکسته بود و جسمش دیگر چندان سردو خرد شده بود که یارای راه رفتن هم نداشت .

اما مامورین در جلو چشمان هزاران مردم مبهوت و گیج ، طناب تازه‌ای آوردند و خانابا را بازکشان کشان روی سکوی دار بردند و اندام درهم شکسته‌اش را بدار کشیدند . آقایان ! این دیگر اعدام نبود ، بلکه نمایش وحشت‌انگیزی بود...»

« در حادثه اعدام همدان چندین زن، از وحشت ، بیهوش شدند و اینک می‌خواهیم از همین جنبه اعدام با چوبه‌دار صحبت کنیم:

سپیده دم روز شنبه این هفته ، چهار هزار زن و مرد و کودک ، در میدان سپه جمع شده بودند تا مردن انسانی را تماشا کنند . متأسفانه باید بگوئیم که بسیاری از این تماشاچیان ، زن - و حتی زنان آبیستن - بودند بسیاری از آن‌ها حتی کودکان پنج و شش ساله خود را همراه خود آورده بودند ، بسیاری از آنان دخترها و پسرهای چهارده ساله بودند. کاش بودید و در چشمان این تماشاچیان مینگریستید ...»

«کودکان ، باترس و وحشت، خود را بدامن مادران می‌آویختند ، دختران

و پسران چهارده ساله ، از ترس می‌لرزیدند. خیال میکنید همه این چند هزار نفری که مردن انسانی را با آنهمه مراسم تماشا کردند ، وقتی بخانه برمیگشتند، از نظر روحی سالم بودند ؟ تخییر! بارها دیده‌ایم که در میدان اعدام ، زنی ناگهسان، بگریه‌ای دیوانه‌وار شروع کرده، یا از وحشت بیهوش شده است . علم روانشناسی بما می‌گوید : «کودکان راحتی از مشاهده سربریدن مرغی معاف دارید؟»

پس چگونه است که ما کودکان معصوم خویش را بتماشای مردن انسان‌ها می‌بریم؟... ما حق نداریم ، مادران و کودکان معصوم خود را هر سال چند بار ، به تماشای مرگ انسان‌ها ببریم . اعدام با طناب‌دار در حضور چند هزار تماشاچی ، با چنگ گلابیاتور های روم چه فرقی دارد؟»

« ... بدیختی اینست که اعدام با طناب دار ، عده‌ای را نیز که نمی‌خواهند اول صبح جسد آدمی را ببینند ، اجبارا بتماشا می‌کشاند . علاوه بر دبیرستان دارالفنون راه شاگردان چهار دبستان و دبیرستان دخترانه و پسرانه ، از میدان سپه میگذرد .

این بچه‌های معصوم نیز ، صبح شنبه، وقتی به مدرسه میرفتند تا از مهربانی و رحم و عطوفت درسهایی فراگیرند جسد انسانی را بر بالای دار دیدند . میدان سپه، مرکز شهر ما است ، جسد علی تا ساعت هفت ونیم صبح شنبه در این میدان، زیر باران تکان می‌خورد ، و هزاران کارمندی که هزاران مشکل زندگی دارند، صبح اول وقت ، وقتی از این میدان می‌گذشتند، اجبارا بتماشای جسدی که از درد بخود پیچیده بود ، ایستادند . این‌ها نمی‌خواهند جسد و جنازه ببینند ، چرا آن‌ها را باین تماشای خوف‌انگیز مجبور می‌کنید ؟

صبح شنبه این هفته ، سه ساعت تمام عبور و مرور در میدان سپه قطع شده بود . چرا ؟ اگر کارناوال گل‌براه بیندازیم، اگر جشن و شادی برپا کنیم ، بگذار همه

مردم بخیبانها بریزند ، وهمه راهها بند بیاید ، اما اعدام يك محكوم ، چرا باید سه ساعت تمام عبور و مرور در بزرگترین میدان پایتخت را قطع کند ؟

مجله روشنفکر، ۱۶، ۲۸، ۴۲

از هم مشربان محترم خواهشمندیم در این موضوع مهم اظهار عقیده فرمائید.
(مجله مسائل ایران)

اعلام خطر در دادگستری

● گزارشها و اطلاعاتی که از مجاری رسمی و غیر رسمی یوزارت دادگستری میرسد عموماً حاکیست که عدم رضایت مردم از دستگاه دادگستری تنها مربوط بنقص تشکیلات و کم بود وسائل کار در دادگاه ها و دادسراها نیست . بلکه مردم مطابق عادت و سنت ملی مقام قضا را مقامی روحانی و معنوی میدانند و انتظار دارند قضات دادگستری که مجری عدالت و زبان قانون هستند دارای ملکات فاضله و مکارم اخلاق باشند و رفتار آنها با ادب و نجابت و تقوی و وظیفه شناسی توأم باشد . . . در محیط دادگستری نسبت به همکاران خود و مراجعه کنندگان با ادب و ملاحظت رفتار و از خشونت و عیبجویی و مشاجره و خورده گیریهای بی مورد خودداری نمایند .

. . . در خارج از محیط دادگستری

نیز آداب و مراسم اجتماعی را که با موازین اخلاقی مطابقت دارد رعایت و از معاشرت با اشخاص بدنام و لایابالی خودداری کنند و از بی احترامی نسبت بافکار و احساسات مردم اجتناب ورزند و از پوشیدن لباسهای زننده و نامناسب و حضور در محافل و مجالسی که بحیثیت قضائی آنها لطمه میزند و موجب اتهام و بدنامی آنها میشود خودداری نمایند . رفتار و اعمال آنها با متانت و وقار توأم و از شائبه ریا و ظاهر سازی مبری باشد تا مورد احترام و اعتماد جامعه واقع شوند و مردم قلباً بحکومت و قضات آنها رضایت دهند .

بدیهی است اکثر قضات شریف دادگستری مراتب مذکور را در نظر داشته و طبق آن رفتار نموده و موجبات رضایت و امتنان وزارت دادگستری را فراهم آورده اند ولی مع التاسف در عمل دیده

میشود که بعضی از کارمندان قضائی باینگونه تذکرات وقتی تنهاده و آنرا بایی اعتنائی تلقی میکنند لذا رونوشت این بخشنامه بدادسرای انتظامی قضات فرستاده شد که طبق ماده ۳۶ قانون اصلاح قانون سازمان دادگستری تحقیقات لازم بعمل آورده و قضات متخلف و منحرف را مورد تعقیب قانونی قرار دهند .

وزیر دادگستری - دکتر محمدباهری

اطلاعات ، ۱۳، ۲۸، ۴۲

کارمندان گمرک

● در سومین جلسه کنفرانس گمرکی که امروز صبح در وزارت اقتصاد تشکیل شد .

آقای بهگو مدیر کل گمرک پیرامون مشکلات گمرک اظهار داشت . . .

باید تعداد کارشناسان فنی گمرک افزایش یابند و ترتیبی داده شود که معلومات کارمندان زیاد شون چون از سال ۱۳۲۰ فتوری دروضع معلوماتی کارمندان گمرک پیش آمده که صحیح نیست تا آنجا که میتوانم بگویم من که مدیر کل گمرک هستم اطلاعات کافی در امر گمرک ندارم .

هم اکنون دو سوم کارمندان گمرک روزمزد هستند و حداکثر حقوق آنها ۴۰۰ تومان است و این کارمند گمرک باید درجائی که يك سطل آب بقیمت ۱۰ ریال است با این حقوق زندگی کند که اشکال آن پیداست .

لوازم فنی کار گمرک نقص دارد چون در بیشتر گمرکخانهها آزمایشگاه نیست و مردم معطل میشوند و همین معطلی ایجاد بدبینی میکند .

کیهان ، ۶، ۲۸، ۴۲

منفی بافی در گمرک

● آقای دکتر ضیائی معاون بازرگانی وزارت اقتصاد در جلسه امروز کنفرانس گمرکی گفت :

یکی از ارکان اساسی سیستم اقتصادی

کارمندان فرهنگ

● امروز عده زیادی از معلمان که در سال گذشته با استخدام وزارت فرهنگ در آمده‌اند دروزارت فرهنگ حضور یافته و از وزیر فرهنگ تقاضای ملاقات داشتند. معلمان میگفتند بیش از یکسال است که پس از اتمام دوره تربیت معلم با استخدام فرهنگ درآمده‌ایم و از موقعی که بارتبه يك آموزگاری در فرهنگ مشغول کار هستیم حقوق ما معمولاً بعد از دو یا سه ماه پرداخت میشود و ما برای اداره زندگی خود دچار اشکال می‌شویم . معلمان از وزارت فرهنگ تقاضای رسیدگی داشتند .

کیهان ، ۴۲۸۶

کارمندان ریشه‌کنی مالاریا

● آقای منوچهر عرب بنمایندگی از طرف کارمندان اداره ریشه‌کنی مالاریا مینویسد :

من این نامه را که درد دل وشکوه هزاران کارمند محروم اداره ریشه‌کنی مالاریاست برای شما مینویسم تا شاید بدرج آن زنجیر ظلم و ستم وتبعیضی که مارا بقید کشیده است بهمت شما از هم‌گسیخته گردد .

برای کارمندان اداره ریشه‌کنی مالاریا نه استراحتی در نظر گرفته شده و نه پاداشی ، نه تشویقی و نهملاحظه‌ای و سوابق خدمتشان کوچکترین ارزشی ندارد وبهیچوجه تامین از لحاظ آتیه نداریم رنگ لباس و طرز سلام يك کارمند اگر مورد پسند یکی از روسا نبود برای اخراج او کافیتست و شرط موفقیت تنها مورد توجه واقع شدن و نزدیکی برواست نه معلومات و جدیت و انجام وظیفه بيك کارمند تحصیل کرده پس از هفت سال سابقه خدمت ، اگر شب برای انجام وظیفه مجبور باشد در خارج از شهر بماند فقط ۵۰ ریال فوق‌العاده میدهند و بيك

ما بازرگان است و او بی شك از جمله معتبرترین منبع نیروی محرکه اقتصاد کشور است و بی پرده پوشی باید عرض کنم که من در تماس مداومی که با بازرگانان داشته‌ام باین نتیجه رسیده‌ام که گمرک برای تاجار عقده‌ای است که بسیاری از دردهایشان در آن متراکم شده‌است. آقای مهندس رزم‌آرا گفت : مشکل اساسی کار دستگاه‌های دولتی منفی بافی است که کارمند دولت تصور میکند اگر در کار خرده بینی کند واشکالی در آن پیدا کند خود را يك کارمند وظیفه‌شناس میداند . متأسفانه کادر اداری ما اینطور تربیت شده است وباید اصلاح شود. و این اشکال در گمرک بمراتب زیادتر است.

موقعی که يك کالا وارد گمرک میشود بجای آن که در ترخیص آن کوشش کنند گمرک ترخیص کننده نمونه آن را بمرکز میفرستد و تا نتیجه آن معلوم نشود کالا ترخیص نمیشود و صاحب کالا مدت زیادی وقتش تلف میشود و ضررهای هنگفتی از این کار متوجه او میشود .

کیهان ، ۴۲۸۷

حقوق مریبان نسل آینده

● از ساعت ۳ بعد از ظهر امروز ثبت نام ۳۰۰ نفر از قیولشدگان تربیت معلم که قرار است بطور روزمرد با ماهی ۲۰۰ تومان در دبستانها درس بخوانند ، در دبستانها آغاز شد . این بچه‌ها در هر روز بچهرنگار ماگفتند : چه روزی است ؟ از آغاز سال تحصیلی میگردد و هنوز عده‌ای از دبستانهای جنوب شهر معلم ندارند از این نظر وزارت فرهنگ تصمیم گرفت که این عده هرچه زودتر ثبت نام کنند این مقام افزود : وزارت فرهنگ کوشش خواهد کرد که این عده تا روز ۱۵ ماه جاری بمحل های خدمت خود که بخشهای ۷۶ و ۷۷ و ۱۰ میباشد حاضر ومشغول تدریس شوند این عده در ایام تابستان نیز از حقوق استفاده خواهند کرد.

کیهان ، ۴۲۸۸

راننده درجه ۲، ۸۰، تا ۱۲۰ ریال، بیک حشره شناس روزی ۱۵۰ تا ۲۲۵ ریال فوق‌العاده میپردازند و به‌حشره شناس دیگری با همان شرایط و سوابق روزی ۵۰ ریال. استدعا می‌شود از اولیای این اداره سؤال فرمائید علت عدم پرداخت اضافه دستمزد ۱۹ نفر از کارمندان ریشه‌کنی مالاریای فارس چیست؟ دیگران چه کرده‌اند که اینها نکرده‌اند؟

در این مورد نامه‌هایی نوشته‌ایم که ترتیب اثر نداده‌اند و گرچه ممکن است همین نامه موجب اخراج بنده گردد خوشوقتم که این عرایض بشرفرض ملوکانه برسد و مسببین ناراضیتی‌ها را بشناسند.

خواندنیها، ۴۲۸۷

تنزل نرخ بهره

● عده‌ای از بازرگانان معتقدند که تنزل نرخ بهره تنها کافی برای توسعه صادرات و رونق اقتصاد کشور نیست بلکه باید عوامل دیگر آن نیز مورد توجه قرار گیرد.

یکی از تجار صادر کننده گفت کشور ما با کشور انگلستان فرقی اساسی و عمده دارد در انگلستان تنزل یک درصد و یا حتی نیم درصد موجب می‌شود که سرمایه‌گذاری تشدید یابد و با افزایش نیم درصد نرخ بهره میزان پس‌انداز ملی بالا رود ولی در کشور ما باید گفت که نرخ بهره هم‌بستگی خاصی با اعتماد عمومی دارد.

یک بازرگان دیگر گفت چون بانک مرکزی مستقیماً با تجار وارد امور بازرگانی نمی‌شود بنابراین واسطه کار بانکهای خصوصی هستند و باید بانکهای خصوصی نرخ بهره را تنزل دهند تا هدف و منظور بانک مرکزی عملی شود.

کیهان، ۴۲۸۷

● تنزل نرخ بهره بانک مرکزی‌اشش در صد به چهار در صد همانطور که انتظار

مسئولین امر بود مورد استقبال بازار و صاحبان صنایع قرار گرفته است. معذک اگر تصور کنیم که تنزل نرخ نتیجه‌ای را که مورد نظر است یعنی تحول بازار و پایان دوره رکود را سریعاً و در ظرف چند روز و یا چند هفته حاصل خواهد کرد انتظار بجائی نداشته‌ایم. علت این امر آنست که بعلا مختلف در حال حاضر بازار آمادگی برای دریافت وام ندارد و بهمین جهت در چند ماهه گذشته - شاید برای اولین بار در ظرف بیست سال اخیر - نرخ بهره در بازار آزاد به ۸-۹ درصد رسیده بود. اگر بخاطر داشته باشیم که نرخ بهره در بازار در سال‌های گذشته و بخصوص در سال‌های اخیر، مرتباً برای امضا طلبان و طلبکاران، در حد بود متعین و در حد تعیین شده در رکود شدید بازار پول در دسترس بسیار است دیگر با وجود آن‌که هم اکنون پول ارزان است کسانی که می‌بایست با قبول ریسکهای مختلف پول را از بازار دریافت کنند و بکار بیاندازند باندازه کافی به نتیجه سرمایه‌گذاری خود مطمئن نیستند و بهمین جهت بی‌بازار مراجعه نمی‌کنند و در چنین شرایطی نباید انتظار داشت که فقط پائین آوردن نرخ بهره در بانک مرکزی - که تاثر آن بر نرخ بهره بانکهای دیگر نیز تدریجی و دوران تاثر آن نیز طولانی است - بتواند بطور ناگهانی دوران رونق را تجدید کند.

بهمین جهت بدنبال تنزل نرخ بهره باید اقدامات دیگر برای تشویق سرمایه‌گذاران باستقراض و سرمایه‌گذاری بعمل آید. قبلاً این نکته را باید در نظر داشته باشیم که اخیراً بنا بر توصیه بعض کارشناسان داخلی و خارجی این فکر در دستگاه‌ها بوجود آمده است که می‌بایست برای ازمیان بردن رکود سرعت «خرج» کرد ولی درباره نحوه این «خرج»‌ها تاکنون مطلبی منعکس نشده و اگر بتوانیم برظواهر

بهمین جهت بدنبال تنزل نرخ بهره باید اقدامات دیگر برای تشویق سرمایه‌گذاران باستقراض و سرمایه‌گذاری بعمل آید. قبلاً این نکته را باید در نظر داشته باشیم که اخیراً بنا بر توصیه بعض کارشناسان داخلی و خارجی این فکر در دستگاه‌ها بوجود آمده است که می‌بایست برای ازمیان بردن رکود سرعت «خرج» کرد ولی درباره نحوه این «خرج»‌ها تاکنون مطلبی منعکس نشده و اگر بتوانیم برظواهر

تاکنون اعتبارات اعطائی بدست تولیدکننده حقیقی نرسیده و اکثر کمکهای پولی و اعتباری بفع عدهای تمام شده است که يك عمر از کیسه مملکت و دستگاههای دولتی و ملی استفاده نموده اند .

با تنزل بهره اگر در گذشته پرده حیاتی در بین بود و موسسات پولی مملکتی اعم از دولتی و یا ملی علنا نمیتوانستند مابین افراد یا دستگاهها از لحاظ بهره تمییز قائل شوند با تصمیم فعلی پرده حیا دریده خواهد شد. ودلالان حرفهای بیجنب و جوش خواهند افتاد و از کیسه مردم مملکت با بهره کم استفاده خواهند کرد این اعتبارات ارزان را در بازار آزاد بحلقوم عدهای مردم بدیخت و از همه جا مانده فرو خواهند کرد و همان وضعی را پیش خواهند آورد که دو سال پیش داشتیم و چنانچه بمسئولین امر ایرادی گرفته شود تصمیم بانك مرکزی را بهخ خواهند کشید .

از طرف دیگر تنزل بهره در صورتی بفع اقتصاد کشور خواهد بود که توسعه اعتبارات و حجم گردش پول با عدد ملی متناسب باشد و این تناسب را با عدد و رقم مورد بررسی دقیق قرار داد چطور ممکن است در يك مملکت عاملی که در چند ماه پیش موجب مشکلات اقتصادی کشور بوده است مجددا باعث رونق اقتصادی کشور گردید ؟

« ... افزایش اعتبارات مملکت را ثروتمند نمی کند بلکه فرونی تولید و ایجاد حسن اعتماد ب سرمایه گذاری باعث ثروتمند شدن کشور میگردد .

چه خوب بود بانك مرکزی علاوه بر تنزل بهره در اعطای اعتبارات کلیه بانکها نظارت مستقیم مینمود وسی میگرد با کمک بانکها اعتبارات اعطائی به مصرف حقیقی امور تولیدی و عمرانی برسد .

دکتر خسرو حبیبی

خواندنیها، ۴۲۸۱۸

قضاوت کنیم باید بگوئیم که دستگاهها فقط طرفدار نفس «خرج» و افزایش میزان آن هستند و بنوع مخارج زیاد توجه ندارند و ظاهرا بدنبال همین نظر است که بانك مرکزی نرخ بهره را برای تنزل هر نوع اسناد (صرف نظر از نوع فعالیت) که از طرف بانکهای دیگر بیانك مرکزی ارائه شود دو درصد تقلیل داده است این جریان نشان میدهد که حسب الظاهر بر اثر شدت بحران ورکود اخیر ما دچار یکنوع افراط شده ایم و چون تصمیمات یکسال و نیمه اخیر به نتیجه نرسیده اکنون از هر وسیله ای که در دست است برای تجدید رونق استفاده میکنیم و بعلت عجله ای که برای تحصیل نتیجه داریم بعواقب استفاده از این وسایل توجه نداریم و حال آن که ضررهای این افراط کمتر از ضرر دوره رکود فعلی نیست .

دکتر مهدی بهره مند

اطلاعات ، ۴۲۸۱۹

● « ... اگر بدو سال قبل برگردیم خواهیم دید بعلت اعتبارات زیاد و بیبقاعد بود که بحران پولی مملکت را فرا گرفت بازار را کد گردید ، تراز نامه بانکها ضعیف گشت و مشتریان از بانکها و معاملات خود روگردان شدند . در اثر این بی نظمی در توسعه اعتبارات بود که دستگاهها با دست خود تیشه تیشه خود زدند. اینهمه کارخانه ورشکسته بوجوه آمد و اینهمه تجار اعلان ورشکستگی کردند . تنها نتیجه ای که از توسعه اعتبارات گرفتیم این بود که ناگهان از خواب غفلت بیدار گشته و خود را غرق در زیادی حجم پول در گردش یافتیم .

اگر گفته شود در صورتی که اعتبارات آسان و ارزان بدست تولید کننده برسد کالا ارزان تر در اختیار مردم گذارده خواهد شد و همچنین کارهای دیگر عمرانی توسعه پیدا خواهد کرد بلید بگوئیم سوابق نشان داده است که

● «... در کشوری که وام گرفتن، سنتی عمومی شده گفتگو از کنترل نرخ بهره، در ردیف صحبت از ارزان شدن کالاهای ضروری و مورد نیاز عموم، در وضع همه اثر میگذارد، تا چه رسد باینکه عملی هم بهنبال داشته باشد.

و اما از نظر مالی و اقتصادی، این امر در کار بازار و مردمی که با وام و نزول سر و کار دارند گرهی نخواهد گشود.

مردم که با بانک مرکزی سروکار ندارند، سر و کار آن ها با خودشان و سایر بانکها است. اگر بانکهای نظیر بانک رهنی و کارگشائی و ساختمانی و یا رفاه کارگران، چنین تصمیمی را میگرفت در وضع مردم نदारو و امدار موثر بود. متاسفانه غالب بانکهای ما، حتی دولتی هایشان، در سال های اخیر و در بحبوحه بحران اقتصادی در مکیعین خون مردم دست صرافان یهودی را از پشت بسته، با رباخواران مسابقه کرده بودند.

بانک رهنی، بانکی که فقط و فقط بخاطر گره گشودن از کار فرو بسته مردم بینوا، و کمک و دستگیری آنها تاسیس شده، آن قدر کارمزد زیاد و نزول گراف از مردم گرفت که از مزاد آن کاخ مرمرین برای سکونت کارمندان خودش و کارخانه و ماشین برای مشغول داشتن آن ها و پاداش تراشیدن برای بعضی ها بنا کرد و وارد نمود.

شما را بخدا، در کجای دنیا، پیره زنی راسه ماه تمام میاورند و میبرند تا هزار تومان باو نهند و ۲۵ میلیون تومان یک قلم درکن و سولقان، بصورت آپارتمان، آن هم ناتمام، برای مرده ها میسازند و سالها خالی و بلا تکلیف میگذارند؟ و هنوز خشت و گل آن خشک نشده، از نامی فرح سوء استفاده کرده، بنیاد کوی دیگری را در اراضی بنجلی که بیخ ریششان مانده آغاز میکنند؟ مگر حساب

و کتاب نیست، مگر باز خواست نیست، مگر این ملت پولش حرام است که باید این طور مصرف شود و مصرف کنندگان راست راست راه بروند و بریش مردم و نمایندگان مجلس آن ها بپخشند، اگر امر غیر از این است پس چرا از دویت و کیل مجلس و شصت ستاتور، یکی یک چنین سئوالی را مطرح نمیکنند؟ این که خدای نکرده مخالفت با اساس حکومت ملی، و انقلاب ۶ ماده ای نیست، این عین مبارزه با فساد است که خواست شخص اول مملکت میباشد.

برای اینکه از تصمیم بانک مرکزی بیش از آنچه لازم است نتیجه گرفته شود، بنظر من سایر بانکها خاصه دولتی ها و تعاونی هایشان که با عده ای بیشتر و کم توقع تر سروکار دارند، باید در حدود امکانات و به نسبت تسهیلاتی که بانک مرکزی در تنزیل مجدد برایشان قائل میشود در معاملات خود برای مشتریان تسهیل قائل شوند و در این امور انتظار مردم از بانک ملی بیشتر است و توقع دارند در مسابقه گره گشائی از کار بسته مردم با آن بانک رقابت کنند.

مسئله درخور توجه که قطعا از نظر اولیای امور مستور نمانده مسئله بهره دادن ب مردم است. چون همه مردم که وام بگیر نیستند، عده ای هم وام بده میباشند مخصوصا صاحبان سپرده های ثابت و حساب های پس انداز. آیا بهره این قبیل پولها هم باید تنزل کند؟ و اگر نه چرا؟ و اگر بلی، چطور؟

بعلاوه با اوراق اسناد خزانه که دولت قبلا سود آن را ۶ درصد تعیین و تامین کرده است چه میکنید؟ دستگاهی که خودش با فرع ۶ درصد از مردم قرض میکند و اسناد خزانه بدمستان میدهد، چگونه و چطور میتواند با ۴ درصد ب آنها وام بدهد؟

در حکومت دروازه های باز، دولت

وقت ۱۲ میامیون توغان با بهره ۴ درصد بکارخانه گودریج نیمه آمریکائی وام داد، درحالی که خودش همانوقت با بهره ۶ درصد از بانکهای نیمه آمریکائی دیگر وام گرفت، اگر آن سیاست منجر به بحران اقتصادی و ورشکستگی شد که امروز اقدام کننده اش را شغل و مقام داده، بر علیه اعلام کننده اش اعلام جرم میکنید؟

باین یکی چه میکنید؟ رویهمرفته عمل دولت در تنزل نرخ بهره اگر ارزانی و تسهیل بدنال نداشته باشد گرانی و دشواری پشت سر نخواهد داشت.

این درست همان آمپولی است که دکتر امینی وعده کرد و نخواست یا نتوانست بی بازار بزند و علم بدون آن که وعده ای کند، هم خواست و هم نتوانست و بی بازار زد، و اینکار وقتی نتیجه بخش است که آمپولهای دیگری از نوع دیگر بدنال داشته باشد.

بهین مناسبت مردم انتظار دارند بدنال این اقدام اقدامات دیگری در سایر جبهه ها بر علیه بقایای لشکر بحران آغاز گردد تا بقیه السیف آن هم تار و مار گردد، آنوقت ما می مانیم و مبارزه با فساد اداری که بعون الهی آن هم دیر با زود ناچار است و باید آغاز گردد.

ع. امیرانی،
خواندنیها، ۴۲۸۸۱۱

سیل

● بابل - خبرنگار ما مینویسد: سیل شدیدی که چند روز پیش در بابل و قراء اطراف جاری شد زندگی عده زیادی از مردم شهر و روستاها را پیرشان ساخت البته به سیل زدگان کمکهایی شده است ولی اقدامات بعدی هم باید معمول گردد تا سیلزدگان سرو سامانی بگیرند. علاوه بر سیلزدگان شهر عده ای از کشاورزان نیز که زندگیشان فقط از زمین

زراعی تامین میشود بر اثر سیل کلیسه محصول و درآمد یکساله خود را از دست داده و اکنون نه پولی در دست دارند که قرض بازار خود را بدهند و نه اینکه معاش خود و عائله شان را تامین کنند و علاوه کمترین سرمایه ای هم ندارند که لااقل بتوانند زمین خراب شده خود را آباد کرده و برای کشت آماده نمایند زیرا همین آباد کردن زمین مستلزم هزینه گزافی است و مقامات دولتی بانک کشاورزی و کارخانه پنبه دولتی دستور داده اند که یکسال بزراعین مهلت داده و اقساط بدهی آنان را بدون دریافت بهره سال دیگر دریافت دارند.

ولی این امر کافی نیست و اگر فکر اساسی برای کمک باین عده از کشاورزان و آسیب دیدگان نشود معلوم نیست وضع زندگی و تامین معاش عائله این افراد چگونه خواهد بود.

کشاورزان سیل زده میگویند فقط بما کمکی شود که مهلت پرداخت بدهی خود را بیشتر از یکسال تمدید کنیم.

و مبلغی هم بعنوان وام بوسیله بانک عمران بما پرداخت شود تا بتوانیم ضمن تامین معاش عائله مان زمین های زراعی خراب خود را آباد و مجدداً برای کشت آماده نماییم تا پس از برداشت محصول بتوانیم دیون مزبور را ادا و از گرفتاری قرض بازار نیز رها شویم.

● نور - عده ای از اهالی نور طی نامه ای که برای مقامات مسئول نوشته اند گفتند یکی از علل خسارت زیادی که سیل به مردم این شهر وارد کرد اسفالت نادرست خیابان نور است زیرا وقتی که شرکت مربوطه این خیابان را اسفالت کرد ارتفاع آنرا تا ۶۰ تا ۷۰ سانتی متر از سطح دکان ها و ساختمان شهر بالاتر برد. و در آنوقت همه اعتراض کردند که چنین جاده ای در صورت وقوع سیل موجب خسارت زیاد خواهد شد. و امروز همان وحشتی که

روز دیگر به انتظار بهبود بازار و پیدا شدن خریدار صبر کنند زیرا با عجله طاقه پارچه را از کارگاه خود بیرون آورده و بلافاصله روانه بازار میشود.

سراسیمه در بازار اینطرف و آنطرف میدود و تلاش میکند تا بلکه خریداری جستجو نماید زیرا وقت و فرصتی برای معطل شدن ندارد و زن و بچه اش در خانه گرسنه و تشنه چشم به انتظار بازگشت او میباشد ولی اغلب اوقات کارگر نساج موفق بفروش پارچه نمیشود و با پاس و ناامیدی طاقه پارچه فروش نرفته را باز میگرداند.

انتظار میرود اکنون که آفتابی نخست وزیر وعده و قول صریح برای بهبود وضع زندگی دستبافان این شهرستان داده اند از طرف مقامات مربوطه هرگونه اقدام که میسر باشد فوراً صورت گیرد زیرا صنعت و هنر دستبافی یزد در شرف از بین رفتن است هزاران نفر از کارگران هنرمند نساجی یزد ناچار زادگاه خود را ترک گفته و در شهرهای دیگر سرگردان و بلا تکلیف میباشند آنها رفته اند تا قیافه های پژمرده افراد خانواده خود را نبینند و شاید بتوانند در سایر شهرها لقمه نانی بدست آورده اقل شک خویش را سیر نمایند.

کیهان ، ۲۷/۸/۴۲

آب ، برق و کتاب در یزد !!

« ... بعد از ظهر روز دوم اقامت در یزد قسمت زیادی از شهر را زیر پا گذاشتم ، با طبقات مختلف مردم صحبت کردم و زشت و زیبای یزد را دیدم. اول از همه باید از جوی های خیابانهای اصلی شهر یاد کنم که همیشه در آن مقداری لجن آمیخته آب ! بچشم میخورند .

فقط خیابانهای اصلی لوله کشی شده است ، شهرداری بمردم گفته که کوچه ها را باید خودتان لوله کشی کنید و لوله ها را هم به شهرداری واگذار نمائید ! ...

مردم داشتند به حقیقت پیوسته است. وسیل که رسید از طریق جاده به آسانی وارد خانه ودکان شد. مردم تقاضا دارند برای انحراف مسیر رودخانه و احداث کانال بطرف دریا و سدبندی قسمت هایی که ریزش دارد اقدام گردد.

● دزاور - (کرمانشاه) - برائرسین مهبوبی که در قریه «دزاور» کرمانشاه جاری شد یازده خانه، ۷۲ باغ و مقداری از زمین های زراعتی زیر آب رفت و خسارت زیادی به کشاورزان این ناحیه وارد شد.

کیهان ، ۲۷/۸/۴۲

دستبافان یزد

● یزد - بدنبال مطالب مفصلی که مرتباً درباره وضع تاسف آور نساجان یزد منعکس نمودیم احیاء صنعت و هنسر دستبافی یزد مورد توجه دولت قرار گرفت. آقای نخست وزیر ضمن تشریح برنامه دولت در مجلسین یادی از دستبافان شهرستان یزد نموده وعده دادند برای بهبود و گشایش کار آنها تصمیماتی گرفته شده و قریباً بمرحله اجرا درآید بارها نوشته ایم وضع بازار نساجی دچار رکود بی سابقه ای شده و زندگی روزانه ده ها هزار نفر از کارگران دستباف یزد بطور بی سابقه ای مختل گردیده است.

نساج یزدی زحمتکش و قانع میباشد در یک خانواده چند نفری از پیرزن و پیر مرد شصت و هفتاد ساله گرفته تا بچه چهار ساله همه مشغول کار دستبافی میشوند و هر کدام قسمتی از کار را انجام میدهند تا بلکه لقمه نانی بدست آورده اقل شک خود را سیر نمایند ولی متأسفانه در حال حاضر آنچه تلاش میکنند هیچ نتیجه ای عاید آنها نمیشود چون محصول تولیدی خریدار ندارد.

نساج یزدی اندوخته ندارد تا بتواند اگر امروز پارچه خود را فروخت تا چند

اوسپس گفت :

البته عدای از مردم طبق نظر شهرداری نسبت به لوله کشی کوچه ها اقدام کردند اما تصور میکنید برای همه کس مقدور است؟ من کارگر هستم و روزی پنج تومان درآمد دارم چطور میتوانم مبالغی صرف لوله کشی کنم؟ مگر اینکه شما در روزنامه تان بنویسید و توجهی بکنند و گرنه کسی بفریاد ما نمیرسد!

درچند کوچه دیگر هم ، همین وضع و حال را دیدم و با کسانی که صحبت کردم همه از این بابت شکوه و شکایت داشتند .

در يك محله ، جلوی يك دوچرخه سوار را گرفتم و ضمن معرفی خودم، از او خواستم که درباره شهر خود اظهار نظر نماید .

او که آموزگار فرهنگ بود دبستانی را که در مقابل ما قرار داشت بمن نشان داد و گفت:

— ملاحظه میکنید؟ کاملاً تاریک است ، امشب هم برق نداریم . گفتم چطور؟ درپاسخ گفت :

— در اینجا برای سالمندان کلاس شبانه تشکیل میشود و من در آن درس میدهم . آمده بودم که وظیفهام را انجام دهم اما دیدم نوآموزان در مقابل در دبستان نشسته اند و میگویند که امشب هم برق روشن نشده است .

هر هفته چند بار برق قسمتی از شهر خاموش میشود و ما با این مشکل روبرو میگردیم .

وی میگفت کارخانه برق مبلغ هنگفتی از سازمان برنامه کمک گرفته و هرماه هم مبلغ کلانی از شهرداری میگیرد اما وضع برق همین است که می بینید . شبی نیست که قسمتی از شهر در تاریکی مطلق فرو نرود ...

مشکل کتب درسی را هم باید ، به مشکلات موجود و مبتلا به مردم یزد اضافه

کنم ، بمحض اینکه مدارس تعطیل میشود محصلین گروه گروه بکتابخانه ها مراجعه میکنند اما از کتاب خبری نیست که نیست .

بهر حال شایسته است در مورد تأمین کتب درسی اقدام سریعتری بعمل آید تا معلمین و محصلین بیش از این درنگرانی و ناراحتی بسر نبرند .

اطلاعات، ۱۸/۸/۴۲

بی کتاب ، بی معلم

● خبرنگار ما در بنادر جنوب گزارش

میدهد ، هم اکنون چهل روز تمام از سال تحصیلی میگذرد ولی مناسفانه دانش آموزان حوزه فرهنگ کل بنادر و جزایر خلیج فارس نه کتاب دارند و نه آموزگار ! کتابهای کلاس اول تا چهارم ابتدائی که معمولاً از طرف وزارت فرهنگ بطور رایگان در اختیار دانش آموزان قرار

میدهند معلوم نیست بچه علت تاکنون در دسترس دانش آموزان کلاسهای مزبور قرار نگرفته است و در نتیجه محصلین بلا تکلیف و سرگردان وقت میگذرانند !

سایر کتب دبستانی و دبیرستانی نیز در کتابفروشیهای بندر بوشهر و بنادر جنوب یافت نمیشود و دانش آموزان از بی کتابی سخت در مضیقه هستند . از طرفی کادر آموزشی آموزشگاههای حوزه فرهنگ کل بنادر و جزایر خلیج فارس ناقص است و طبق اظهار آقای حسن مستوفی رئیس کل

فرهنگ بنادر و جزایر خلیج فارس ۹۲ آموزگار و دبیر کم دارند و با این ترتیب معلوم است که دانش آموزان بچه کیفیتی باید تحصیل کنند . در اغلب مدارس قراء و قصبات حوزه فرهنگی کل بنادر و جزایر خلیج فارس فقط یک نفر آموزگار انجام وظیفه میکند که هم مدیر و هم آموزگار تمام کلاسها و هم خدمتگزار مدرسه است ! خبرنگار ما اضافه میکند تنها مشکل دانش آموزان این منطقه معلم و کتاب نیست

بلکه محصلین برای نشستن هم نیمکت ندارند و روی زمین می‌نشینند و درس می‌خوانند. ساختمان اغلب مدارس روی اصول بهداشتی بنا شده و کلاسها تنگ و تاریک است. نکته جالب و قابل توجه اینست که در مدارس اغلب قراء از تخته سیاه و گچ که از وسایل اولیه و حتی کلاس است خبری نمیباشد! و وضع موجود واقعا موجب تاسف است.

بطور کلی وضع مدارس قراء اطراف صورت خوشی ندارد و حتی دانش آموزان از لحاظ آب آشامیدنی نیز در مضیقه هستند و جادارد هرچه زودتر نسبت به رفع نقایص موجود اقدام شود تا دانش آموزان با خیال راحت بتوانند کسب تحصیل نمایند.

اطلاعات، ۴۲۸۸۱۸

● آقای غلامرضا باقری (مجلاتی) جوان لیسانسیه بیکار ضمن نامه تاثرآوری مینویسد:

قریب به شش سال قبل در اثر تصادف با اتومبیل که منجر به شکستگیهای متعدد در قسمت تحتانی بدنم گردید (هردوساق پا و ران راست). از نعمت راه رفتن و پاداری محروم شدم

در اینمدت هرچه داشتم و نداشتم فروختم و صرف هزینه معالجه و بهبودی از دست رفتهام نمودم و گرچه حالیه بهبودی نسبی خود را یافتهام و قادرم با کمک عصا آهسته آهسته راه بروم، معذالك علاوه بر اینکه دیگر قادر بادامه معالجهام نیستم و بیش از هفت ماه است آنرا مختل گذاشتهام، آنقدر نهی دست شدهام که حتی قادر بتأمین مخارج روزمره و تغذیه خود و فرزندم نمی‌باشم.

هشت ماه قبل هم همسرم کودک شیرخواره و همچنین مرا تنها بدلیل فقر مسالی ناشی از توقف ممتد زیاده از

حد بنده در بستر بیماری ترك كرد و رفت ... از آن زمان یعنی هنگامیکه همسر من جدا شد زندگی بیشتر زنجیم می‌دهد، زیرا با جسم بیمارم، نگهداری و پرستاری فرزندم را عهده‌دار میباشم. در این مدت مختصر وسائل زندگی را هم فروخته و خرج کردهام، تا جائیکه امروز باصطلاح عوام آه در بساط ندارم. از چندی پیش من و کودکم سر بار برادرم که پلیس گمرک است و دارای زن و بچه میباشد هستیم! ولی آیا مگر میشود برای همیشه در تنها اطاقی که آن‌ها زندگی میکنند، ما هم سر بارشان باشیم!

حالا که جدأ از زندگی خسته و سیر شده‌ام و امیدی بآینده ندارم، از هموطنانم می‌خواهم مرا یاری کرده و بزندگی بازگردانند. البته اگر کسی بعنوان يك متكدی بمن بنگرد و تحت همین عنوان کمک کند مرگ را برزندگی ارجح میدانم.

اگر مختصر وسایل زندگی و يك اطاق جهت سکونت داشته باشم و کاری فراخور حالم پیدا شود علاوه بر اینکه ممکن است همسر مطلقه‌ام بسوی من و فرزندم بازگردد، خودم نیز میتوانم از محل درآمد خود سروسامانی بزندگی از دست رفتهام بدهم و ترتیبی برای ادامه معالجهام فراهم آورم

نشانی من: جاده قدیم شمیران. ایستگاه سیدخندان وکیل‌آباد میباشد.

خواندنیها ۴۲۸۸۱۸

● امروز ادارو پایاپای بانکها اعلام کرد: تعداد چکهای انتقالی متبادله بین بانکهای عضو روزانه به ۸۰۰۰ چک رسیده است.

هم‌اکنون ۵۱ بانک در تهران با ۲۴۱ شعبه خود عضو این مرکز میباشد و کلیه چکهای انتقالی آنان که عهده بانکهای

دیگر است و توسط مردم برای وصول به آنان ارجاع میشود دراین مرکز میدانه میشود .

از هشت هزار چک که در روزمبادنه میشود در حدود ۷۶۰ چک آن بطل مختلاف برگشت داده می شود و بقیه آن نقد میگردد .

محاسبه آمار چکهای برگشتی سال گذشته با سال جاری نشان میدهد که میزان چکهای برگشتی امسال نسبت به سال پیش چندان کاهش نیافته است .
اطلاعات ، ۱۸/۴۲۸

بعد آقای دکتر شمس اظهار داشت :
دراین یکسال اخیر در دو سه محل کمیسوی بدین منظور تشکیل شده و مخصوصا در اداره راندگی کمیسیون مفصلی تشکیل شده و ثابت شد که تعداد کاربورهای اشباع نشده برای ریه خوب نیست دیگر اینکه باید اقدام فوری و ضروری کرد تا از ورود کامیون های بزرگ و گازوئیلی در شهر جلوگیری شود . مطالب دیگر این است حالا که دانشکده پزشکی مسئولیت این کار را بر گردن گرفته باید مطالبی بیان داشت که بر موازین علمی متکی باشد یعنی در محلی که صلاحیت دارد آزمایشات واقعی را شروع نماید و در چند نقطه از شهر که آمد و شذیاد است درجه آلودگی را اندازه بگیرد .

آقای مهندس خاکباز گفت: منظور از آلودگی ، دود ، گرد ، غبار ، ماشین های کارخانجات و موتورهای موجود ، حمام ، نانوائی و بطور کلی تمام دستگاه هائی است که با مازوت و یا گازوئیل استفاده میکنند . حتما باید به مسئله سوخت و مشعلها پرداخت ، باید در این سمینار موضوعات از نظر احتراق و ساختمان دستگاه تنفس از نظر امراض بحث شود تا نتیجه مفصل گرفته شود . در آن کمیسیونها قرار براین شد که کوره های آجرپزی درمسیری باشد که باد نتواند آنها را بشهر انتقال دهد یعنی در جاده مازندران باشد ولی نتیجه گرفته نشد .

وی افزود : شرکت نفت قول داده که در مدت دو سال گاز سراج را بتهران بیاورد البته اگر این کار عملی شود خیلی از اشکالات ما مرتفع خواهد شد . البته فضولات کارخانجات نیز باید کنترل شود و از قالی تکانی جلوگیری کنیم و برای تصفیه هوا درخت بکاریم
بعد تیمسار سرلشکر دکتر میرافضای گفت :

آلودگی هوای تهران داستانی عمیق

● سمینار آلودگی هوای تهران
اولین جلسه خود را بریاست آقای دکتر آرمین معاون تحقیقاتی دانشکده پزشکی و با شرکت نمایندگان وزارتخانه ها و دستگاه های مختلف مملکتی تشکیل داد .
در آغاز جلسه آقای دکتر آرمین اظهار داشت : از آنجائی که این روزها در هر محفلی چه علمی و چه غیر علمی صحبت از آلودگی هوا است ، ریاست محترم دانشگاه بمن ماموریت دادند که برای تشکیل سمینار دراین باره هرچه زودتر اقدام کنم . از همکاران محترم استدعا میکنم نظریات صائب خود را دراین باره بیان فرمایند

آقای دکتر برخوردار گفت : بنظر بنده از هر چیز واجبتر این است که باید اقدامی کرد که تا گاراژهای داخل شهر برچیده شود کامیون و دیزل درشهر وارد نشود چه خوب است که این کار را از شرکتها شروع کنیم ، یکی از منابعی که در ایجاد آلودگی هوا موثر است در درجه اول اتوبوسهای شرکت واحد وبعد تاکسی ها و اتومبیل های بنز است . شهرداری باید پارکهای متعددی ایجاد کند و اداره پلیس و راهنمایی به ماشین های گازوئیلی پروانه کار ندهد .

و مفصل دارد هم خوبی و هم بدی آن به گردن شهرداری است، در يك خيابان دکان پنبه زنی، فانوای، زغال فروشی در يكجا جمع است خيابانها اغلب اسفالت ندارد اگر بخواهيم علل آنرا بررسی كنيم خیلی چیزهاست صرفا با از کار انداختن اتومبيل کافی نیست باید شهرداری را تقویت کرد.

آقای دکتر وارطانی گفت: شهرداری باید وظیفه خود را انجام دهد و من گمان میکنم علت آلودگی فقط شهرداری است ساعت ۵ صبح رفتگرها شاخه های درخت را میکنند و مشغول جارو میشوند و تمام خيابان را پراز گرد و خاک مینمایند.

بعدا آقای دکتر آملی اظهار داشت: هر وقت از آلودگی صحبت میشود راجع به گازوئيل و دود است آلودگی تنها دود نیست بلکه گرد و خاک و پشه و مگس است شهرداری باید تقویت شود تا بتواند نظرش را انجام دهد.

آنگاه آقای دکتر صالح رئیس دانشگاه گفت: باید اعتراف کرد که برای مبارزه باید جنبه علمی قوی داشت باید راهنمایی علمی در کار باشد دانشگاه میتواند برای اینکار پیشقدم شود تا آنجائی که اطلاع دارم در تهران صلاحیت و وسایل جوابگوئی ندارند بعضی مواد هستند که حقیقتا ما نمیتوانیم بگوئیم آیا حقیقتا مضر هستند یا خیر و یا آنکه در آلودگی کشورها مؤثر هستند یا خیر از اداره کل بهداشت وزارت بهداشتی پرسیدیم که مواد زیان آور کارخانجات را بگویند برنامه رسمی نوشتند که فقط اکسید و کربن است. دانشگاه باید تصمیمی را که گرفته دنبال نماید و جنبه پیشوائی این کار را داشته باشد ما باید لاابراتوار بهداشت محیط داشته باشیم و شاید شرکت نفت در این زمینه ما را کمکی باشد.

کیهان، ۴۲۸۱۳

● اداره پست تهران امروز اعلام کرد که بعلمت عدم توجه ارسال کنندگان نامهها هزاران نامه بدون آدرس در اداره پست تهران بر رویهم انباشته شده وبصورت تلی درآمده است.

رئیس اداره پست تهران در این زمینه بخبرنگار اطلاعات گفت هر هفته در حدود پانصد نامه بدون آدرس در اداره پست برجای میماند و این اداره ناچار است نامهها را تحویل پست مرکزی بدهد زیرا ماموران حق بازکردن نامهها را ندارند تا بدانوسیله با استفاده از آدرس داخل نامه پاکتها را بمقصد برسانند.

يك مامور پست گفت مردم آنقدر حواسشان پرت است که نوشتن يك خط آدرس بر روی پاکت نامه را فراموش میکنند و گذشته از آنکه نامهشان بمقصد نمی رسد ماموران پست را هم در محذور میگذارند.

وزارت پست و تلگراف از مردم درخواست کرد تا باین مطلب توجه کرده و از انداختن نامه های بدون امضاء در صندوقها خودداری نمایند

اطلاعات، ۴۲۸۱۸

● خبرنگار ما در اهواز مینویسد بناباطهار سخنگوی اداره کل بهداری استان خوزستان چندروز قبل آقای دکتر سید داود علوی بازرس اداره بهداری گلستان برای بازرسی وضع بهداری مسجد سلیمان به آن شهرستان عزیمت کرد و با مورمر مریضه و وضع درمانگاههای تابعه رسیدگی نمود و بتقاضای مردم در این باره رسیدگی کرد. در جریان این بازدیدها آقای دکتر علوی متوجه گردید که سالها است شخصی بنام رفائیل قراگزلیان که سابقه ای از حرفه پزشکی ندارد در مسجد سلیمان طبابت میکند! و با اینکه هیچگونه معلومات

پزشکی ندارد معذراً بعنوان پزشك حادثه با مردم هم بد رفتاری مینماید بطوریکه موجبات عدم رضایت اهالی را فراهم آورده است و مردم مسجد سلیمان از وی شکایتهای متعدد دارند . طی رسیدگیهایی که بعمل آمد پرده از کار این پزشك قلابی برداشته

شد و با حضور نماینده دادستان و دادگاه مسجد سلیمان مطب وی مورد بازرسی قرار گرفت و چون برخلاف قانون کار میکس مطب او تعطیل و لاک و مهر شد و از ادامه کارش جلوگیری بعمل آمد .
اطلاعات ، ۱۳۸۲/۴



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی